

اخلاق به یک نهاد کنترل‌کننده تبدیل می‌شود، یعنی ما به جای اینکه اخلاق را به مثابه یک هوای تازه تلقی کنیم، آن را مانند یک بوق و کرنایی در نظر بگیریم که دائم بخواهد همه چیز را کنترل کند.»

معنویت هم می‌تواند شکل معیوبی به خود بگیرد: «معنویت باید در زندگی افراد عادی به یک راه حل تبدیل شود. اما گاهی این قدر حالت نخیه‌گرایانه به خود می‌گیرد که معنویت کف جامعه از آن فاصله می‌گیرد.»

دنیایی که ما امروز در آن زندگی می‌کنیم، دنیای بدی است. این نخستین جملات فراستخواه و به نوعی مقدمه‌ای بود برای ورود به بحث معنویت: «علل و عوامل در دنیای ما دست‌به‌دست هم داده تا فرهنگ داروینستی را ترویج دهد، یعنی تنازع بقا. بکش تا زنده بمانی، بجنگ تا زنده بمانی. متأسفانه ساختارها هم داروینسیتی است. متأسفانه باید بجنگی تا زنده بمانی. یکی از همین گفتمان‌های این تفکر، ایدئولوژی نئولیبرالیستی در جهان است.»

به هر نحوی شده خودت را سرپا نگه دار، این دیالوگ پرتکرار در کشور ما هم این روزها به نوعی از تفکر تنازع بقا نشأت می‌گیرد: «حتی شده از تکنیک‌های تلقین استفاده کن، چشم‌هایت را ببند، تصور کن خوشبختی. فقط تصور کن خوشبخت شدی. سعی کن به نحوی گلیم خودت را از آب بکشی بیرون.»

کووید-۱۹ همچنان که روی همه چیز تأثیر گذاشته، روی روابط اجتماعی هم موثر بوده است. این استاد جامعه‌شناسی می‌گوید: «زبان ما به جای فاصله‌گذاری اجتماعی ترجیح می‌دهد بگوید فاصله اجتماعی، زیرا در ذهن ما این فاصله اجتماعی وجود دارد و دوست داریم از دیگران فاصله بگیریم. این به آن معنا نیست که ما بدیم، این همان ساختارهای داروینستی است که بر ما مستولی شده است. نسبت به هم غریبه بودیم و غریبه‌تر شده‌ایم.» معنویت مدنی اما پاسخی کنش‌گرایانه به این وضع است. فراستخواه با یادآوری از لحظه‌های اثرگذار در کشورها و ملل مختلف، سعی کرد تا مفهوم امید اجتماعی و معنویت مدنی را آسان کند: «اگر انرژی‌های اخلاقی و نیروهای معنوی از ما به بیرون گسیل شوند، فضاهای اجتماعی برای تجربه امید ایجاد می‌شود.»

#### امید اجتماعی یک حالت روانی صرف نیست

ضرورت ادامه این بحث اما ورود به مفهوم امید بود، رویدادی وجودی که صرفاً یک حالت روانی نیست: «در اجتماع ما این روزها یک درماندگی آموخته‌شده وجود دارد، یعنی ما به صورت اجتماعی آموختیم که نمی‌توانیم. عکس این گفتار می‌تواند در جامعه ایجاد شود، یعنی احساس کنیم که می‌توانیم تغییری ایجاد کنیم، می‌توانیم مفید باشیم، امید به نوعی احساس اجتماعی تجربه‌شده است و ریشه در تفکر علیّی ما دارد. این روزها هم ممکن است شما گروه‌های داوطلبانه بسیاری را مشاهده کنید که در شهرها جمع می‌شوند تا کاری کنند، اینها امید دارند و به پشتوانه معنویت مدنی‌شان که پشتوانه‌ای برای تفکر علیّی است، دست به خلق می‌زنند.»

اما این تفکر علیّی را کجا باید آموخت؟ فراستخواه در بخش دیگری از این نشست آنلاین در این باره توضیح داد: «تفکر علیّی را باید در کار جست‌وجو کرد، در فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که هر کدام انجام می‌دهیم، باید امید را تجربه کنیم، ما وقتی در کارهایمان تغییری را احساس می‌کنیم، در حقیقت در حال مزمزه کردن امید هستیم. من معتقدم امید در جامعه ما وجود دارد. در زیر پوست شهرهای ما تجربه این امید احساس می‌شود. ایران تهی از امید نیست، چنانچه در تاریخ ایران در [سال‌های اخیر هم] ما این امید را مشاهده کردیم و به نوعی شگفت‌زده هم شدیم. هرچند این امیدها گاهی با در بسته روبه‌رو می‌شوند، گاهی به ناامیدی ختم می‌شوند، اما من هنوز هم معتقدم که امید در ایران ریشه دارد. امید در مواقعی که باور وجود داشته باشد، خودش را نشان می‌دهد، در مواقعی که ریسک و سختی باشد. مثلاً شما درباره تاریخ فردا امید ندارید، زیرا کار امید پیش‌بینی کردن نیست، درواقع ما بایک حس وجودی سروکار داریم که به نوعی یک نگرانی فعال هم است.» فراستخواه در پایان این نشست یک ساعته تأکید کرد که لحظات در جامعه می‌تواند انرژی‌های معنوی ما را آزاد کند و به سازندگی در افراد منجر شود. می‌تواند جوامع را اثربخش و فعال کند و سبب خیر عمومی و شادی شود. اما در کشور ما متأسفانه در این لحظات تاریخی [مسائلی بودند که اجازه ندادند] انرژی جوامع آزاد شود و در یک روند ادامه‌داری ثمراتش در جامعه خودشان را نشان دهد. □



خبرگزاری آنا

مقصود فراستخواه در نشست درس گفتارهای زیست اخلاقی:

# باید امید را تجربه کنیم

«همان‌طور که درماندگی آموخته‌شده را آموختیم، می‌توانیم امیدواری را هم از جامعه بیاموزیم

✍ [سوگل دانائی] تنش‌ها در انسان پرتعدادند. می‌توانند احساس

تعادل‌نداشتن را در بدن ایجاد کنند و سازوکاری را به حرکت وادارند که این بی‌تعادلی در انسان را از بین ببرد. سازوکارهایی که به انگیزش معروفند و می‌توانند به میل و گرایش منجر شوند. نیازها و امیال انسان‌ها پرتعدادند. یکی از مهم‌ترین آنها شاید نیاز و میل به معنویت باشد. آدمی می‌خواهد از معنایی سرشار شود. می‌خواهد دست‌اندرش را به چیزی بیاویزد تا بتواند راحت‌تر زندگی کند. میل به معنویت البته گاهی می‌تواند به شکل ناصحیحی خودش را بروز دهد. می‌تواند گاهی به شکل وسواس‌گونه نمایان شود. درعین حال برای ایجاد این معنویت در جامعه به عنصری نیاز داریم که هر جامعه می‌تواند آن را در لحظات منحصر به فردش به آن برسند. مفهومی به نام امید. مقصود فراستخواه معتقد است این امید اجتماعی در زیر پوست شهرهای کشور ما مشاهده می‌شود و این‌گونه نیست که تصور کنیم امید در جامعه کاملاً از بین رفته است. این جامعه‌شناس و استاد برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی در موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی در نشستی با عنوان درس گفتارهای زیست اخلاقی درخصوص این معنویت مدنی و امید اجتماعی عنوان کرد که این امید را باید در جامعه آموخت. آموختنی که دشوار نیست.

#### کنش‌ها، تنش‌ها و امیال انسانی

صداها و ندهای درونی ما می‌توانند کنش‌هایمان را بسازند. فراستخواه صحبت‌هایش را با این مفهوم کمتر شنیده شده، آغاز کرد: «من به‌عنوان یک دانش‌آموز تصور می‌کنم صدایی که از خودمان می‌شنویم، از آشنا‌ترین صداهایی است که تجربه می‌کنیم. صدای احساسات، صدای عواطف، این صداها دستور زبان و قواعد خاصی دارند، تمام علوم انسانی تلاش می‌کند تا بتواند تمام این صداها را درک کند، بفهمد از چه قواعدی پیروی می‌کند، چگونه کنش‌ها را می‌سازد و در نهایت به جامعه تسری پیدا می‌کند.»

او در ادامه از تنش‌های انسانی و انگیزش‌ها و نیازها و امیال انسانی گفت: «تنش، وقتی ایجاد می‌شود که در سیستم بدن من یا در سیستم اجتماعی من، یک بی‌تعادلی تازه‌ای روی می‌دهد. مثل احساس گرسنگی، در واقع بی‌تعادلی تازه‌ای در متابولیسم بدن شما ایجاد شده بود. ما تنش‌های مختلفی داریم که نتیجه یک احساس بی‌تعادلی در سازوکارهای اجتماعی ما ایجاد شده است. وقتی تنش ایجاد می‌شود، سازوکارهای شما به کار می‌افتد تا شما دوباره به حالت تعادل برگردید. این سازوکار تعادل‌یابی مجدداً همان انگیزش است.»

این استاد جامعه‌شناسی معتقد بود که مفهوم میل در نهایت از همین انگیزش ایجاد می‌شود: «این امیالی که در ما هست، نتیجه یک تنش و انگیزش یک میل می‌شود. در نهایت این نیازها نتیجه امیال‌ها و گرایش‌ها هستند. اما هنگامی که این نیازها بسیار فعال می‌شوند، سائق‌ها را ایجاد می‌کنند.» سائق‌ها همان‌هایی هستند که در پس آنها انرژی‌های نهفته و مترکمی موجود است که

در نهایت به رفتار منجر می‌شود.

تمام اتفاقاتی که در ما می‌افتد، عنصر شناختی، عنصر فیزیکی و روانشناختی و جامعه‌شناختی دارد. فراستخواه حتی احساس گرسنگی در انسان را هم با همین قاعده توضیح داد: «در گرسنگان آفریقا یک گرسنگی ساخته شده و در کم‌درآمدهای نیویورک یک احساس دیگر وجود دارد. گرسنگان اسکندیناوی با گرسنگان آفریقایی متفاوتند. همه آنها ریشه در تنش دارند اما به صورت اجتماعی خودشان را نشان می‌دهند. پس رویدادهای انسانی قابل فروکاسته شدن به امور فردی صرف نیستند، در واقع اینها در خلأ به وجود نمی‌آیند و در یک بافت و روابط اجتماعی صورت‌بندی می‌شوند.»

تنش‌های آدمی و علایق و نیازهای او متنوع است و تودرتو و لایه به لایه است و به نیازهای مختلفی هم منجر می‌شود: «تنش سلامت، نیاز به زیستن را به وجود می‌آورد، تنش معرفت نیاز به صور خیال و دانستن را در انسان ایجاد می‌کند. تنش قدرت هم در ما وجود دارد؛ به این عبارت که چون نیاز به قدرت داریم، نیاز به اثرگذاری در محیط را داریم. تنش دیانت، نیاز به امر رستگارشدن را در ما ایجاد می‌کند. تنش فضیلت، نیاز به خوب بودن را در ما ایجاد می‌کند. در انسان‌ها اما تنش معنویت هم وجود دارد، تنشی که در ما یک نیازی ایجاد می‌کند که از معنایی سرشار شویم.»

#### شکل معیوب بروز نیازها

این نیازها می‌توانند به شکل معیوب ظاهر شوند و به وسواس ختم شوند. فراستخواه با ذکر این جمله تأکید کرد: «نیاز معیوب به زیستن در مصرف‌پرستی، درست به ضد خود تبدیل می‌شود، همان‌طور که نیاز به داشتن به مال‌پرستی تبدیل می‌شود. نیاز وسواس‌گونه به معرفت در میل مفرط به اطلاعات خودش را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، اطلاعات زیادی داریم اما نمی‌دانیم باید به چه چیز توجه‌مان را معطوف کنیم. در شرایط پاندمی کووید-۱۹ این نیاز وسواس‌گونه، بیش از پیش هم احساس شده است. این مسأله این‌قدر در جهان محسوس شده که کارشناسان می‌گویند ما این روزها با پاندمی اطلاعات هم مواجه شده‌ایم. بیماری واگیردار و اعتیادآور نمی‌تواند از محیط آنلاین خارج شود و دایم باید اطلاعات را رصد کند.»

اشکال معیوب می‌توانند در سایر نیازها هم خودشان را نشان دهند و شکل نامشروعی به خود بگیرند: «نیاز به قدرت، یک نیاز اصیل است و در همه افراد وجود دارد. اما شکل مخربی هم در قدرت وجود دارد که می‌شود تمامی‌خواه، می‌شود استبداد. تمامی‌خواه کسی است که همه قدرت را می‌خواهد.» نیاز به خوب بودن هم می‌تواند شکل افراطی به خود بگیرد. فراستخواه می‌گوید: «انسانیت این‌قدر پیچیده است که شکل معیوب و وسواس‌گونه اخلاقیات می‌تواند برای بشر مخرب باشد. بیش از حد اخلاقی رفتارکردن از همین نیاز معیوب، ایجاد می‌شود. اینکه بخواهیم همه چیز را اخلاقی کنیم، به عبارت دیگر

#### فراستخواه: هرچند این

امیدها گاهی با در بسته روبه‌رو می‌شوند، گاهی به ناامیدی ختم می‌شوند، اما من هنوز هم معتقدم که امید در ایران ریشه دارد. امید در مواقعی که باور وجود داشته باشد، خودش را نشان می‌دهد، در مواقعی که ریسک و سختی باشد. مثلاً شما درباره تاریخ فردا امید ندارید، زیرا کار امید پیش‌بینی کردن نیست، درواقع ما با یک حس وجودی سروکار داریم که به نوعی یک نگرانی فعال هم است



## بازتاب

عطف به مطلب مندرج در آن رسانه در تاریخ ۹۹/۲/۶ با عنوان «سایه سنگین کرونا بر آموزش کودکان استثنایی» پاسخ سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی وزارت آموزش و پرورش مطالب زیر را جهت تنویر افکار عمومی به اطلاع می‌رساند.

-از همان روزهای نخست تعطیلی مدارس، به علت شیوع ویروس کرونا، فعالیت‌های آموزشی، پرورشی، توانبخشی، تربیت بدنی و مشاوره‌ای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به صورت مجازی استمرار دارد و اقدامات ارزشمندی از سطح صف تا ستاد در این رابطه انجام پذیرفته است.

-جهت بهره‌مندی دانش‌آموزان ناشنوا از آموزش‌های تلویزیونی، با سازمان صدا و سیما مکاتبه و نیز با مدیران شبکه‌ها هماهنگی شده و رایزنی‌ها در حال انجام است.

-با استناد به بند «ث» قانون جامع حمایت از معلولین به شماره ۳۷۲۶/۳۱/تاریخ ۹۷/۲/۱ و به منظور ایجاد محیط بدون مانع و قابل دسترس و نیز فراهم‌سازی فرصت‌های برابر در برخورداری از امکانات زندگی و اجتماعی، دسترسی به منابع مناسب و ارتباطی، یکی از حقوق قانونی و مطالبه به حق دانش‌آموزان با نیاز ویژه است که باید از طریق دستگاه‌های دولتی و نهادهای غیردولتی مرتبط، پیگیری‌های لازم صورت گیرد.

-با عنایت به وجود نیروهای متخصص، در مدارس استثنایی و علاقه‌مندی و شوق آنان برای خدمت، در صورت موافقت سازمان صدا و سیما و تمهید مقدمات و زیرساخت‌های لازم، معلمان توانمند و دلسوز آماده استفاده از ظرفیت ملی رسانه ملی برای آموزش کودکان و دانش‌آموزان با نیازهای ویژه هستند.

این سازمان ضمن استقبال از انعکاس اخبار و رویدادهای مرتبط با دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در رسانه‌های مختلف از هیچ کوششی در زمینه آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در گروه‌های هفت‌گانه استثنایی فروگذار نکرده و تمام تلاش مجموعه کارشناسان، معلمان و مربیان در این زمینه به کار گرفته می‌شود.

خواهشمند است دستور فرمایید طبق قانون مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به درج جوابیه این مرکز در همان صفحه و با همان قلم اقدام لازم صورت گیرد. □